

سمینار تخصصی  
مهدی صادقی  
نویسنده و گردآورنده  
کتاب کبریت ایران

چرا تبریز  
قطب کبریت ایران شد؟

سه شنبه ۷ مهر ۹۴  
گروه واتساپ انجمن کبریت

## چرا تبریز قطب کبریت ایران شد؟

نخستین کارخانه‌ی کبریت‌سازی ایران با مشارکت روس‌ها توسط امین‌الدوله راه‌اندازی شد، اما به فاصله کمتر از بیست سال همین کبریت وسیله‌ای شد برای مبارزه با روس‌های متجاوز و حامی استبداد محمدعلی شاه!

در اواسط دوره ناصرالدین شاه که کبریت وارد ایران شد، حدود سی سال طول کشید تا کبریت از کالایی لوکس و سوغات فرنگ به کالایی مصرفی بدل شود.

در دوره مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه هم اگرچه کبریت چندان پر مصرف نبود، اما همان میزان مصرف هم از خارج وارد می‌شده و عمدتاً از روسیه.

تبریز همواره یک جایگاه اقتصادی و سیاسی خاص داشته است: از نظر سیاسی، بدین جهت که از زمان عباس میرزای نایب‌السلطنه، این شهر، شهر ولیعهد‌های قاجار بوده و تا محمدعلی شاه این رویه ادامه داشت.

از نظر اقتصادی هم، قرار گرفتن در مسیر ارتباطی با عثمانی و روسیه، این شهر را خاص کرده بود.

در دوره‌ای که تبریز در محاصره نیروهای محمدعلی شاه بود و پس از آن، در دوره‌ای که در محاصره نیروهای روس بود، به سبب اولتیماتومی که روس و انگلیس به دولت ایران دادند برای اخراج

مورگان شوستر امریکایی، در هر دو بار، تبریز در محاصره قرار گرفت و ماه‌ها این حصر ادامه یافت.

مردم تبریز مجبور بودند مواد مصرفی اولیه خود را تامین و تولید کنند و کبریت از این قاعده مستثنا نبود.

این است که در این زمان کبریت‌هایی در کارگاه‌های دستی تولید می‌شد که اگرچه کیفیت کبریت‌های روسی و سوئدی را نداشت، اما چاره‌ای هم از آن نبود.

تجار، روحانیون و روشنفکرها پشت این قضیه بودند. آنها پیش از این تلاش می‌کردند مردم را به مصرف کالاهای داخلی تشویق کنند تا تولیدکننده ایرانی بتواند سرپا بماند.

شعار آنها این بود: «برای پیشرفت وطن امتعه داخلی ابتیاع کنید.» در دوره مشروطه و پس از آن، حس وطن‌دوستی بسیاری از تجار و وعاظ آنها را بر این داشت که مردم را تشویق کنند. مثلاً در شیراز «سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی» (پدر محمد علی جمال‌زاده نویسنده شهیر) به سفارش تجار و شرکت اسلامی، به منبر رفت و مردم را به استفاده از کالاهای وطنی ترغیب کرد.

نباید فراموش کرد که در دوره مشروطه، تبریز سرآمد همه شهرها در مبارزه با استبداد بود و به قول «ابراهیم‌اف» نویسنده کتاب «پیدایش حزب کمونیست در ایران»: «تعداد آزادفکران در تبریز بیش از سایر شهرستان‌های ایران بودند.»

مسائل سیاسی به نوعی زمینه‌ساز تولید کبریت در تبریز شد. بدین

معنا که تجار و وعاظی که می‌خواستند با استبداد محمدعلی شاه مبارزه کنند، دست به ابتکار جالبی زدند. آنها کبریت‌های دست‌ساز تولید کردند که هم نیاز روزانه‌ی مردم تبریز را برطرف می‌کرد و هم با درج شعارهای میهنی و ضد استبدادی، ابعاد مبارزه‌ی خود را از خیابان‌ها به خانه‌ها گسترش می‌دادند.

به یاد داشته باشیم پیش از این زمان، تعدادی از روشنفکران مهاجر قفقاز به آذربایجان ایران و تبریز آمده بودند و درصدد مبارزه با نیروهای تزار روس و ضربه زدن به آنها بودند. از جمله این افراد، مشدی عزیزبگوف بود که از نخستین مارکسیست‌های باکو بود. او دو سوغات به تبریز آورد:

اسلحه غیرمجاز

ادبیات غیرمجاز

او به همراهی یارانش کارگاه هم‌سازی به شیوه دستی در تبریز به راه انداختند.

طبیعی است وقتی این مبارزان بتوانند هم بسازند، از پس کبریت هم برمی‌آیند!

پس سه قشر برای بسترسازی تولید اولین کبریت‌ها در تبریز فعالیت داشتند:

تجار؛ که به نوعی سمت و سوی اقتصادی ماجرا را داشتند.

وعاظ؛ که مبارزه با استبداد را وظیفه‌ی دینی می‌دانستند.

روشنفکران؛ که استبداد را عامل بدبختی ملت می‌دانستند.

مساله دیگری که به پا گرفتن کارخانه‌های کبریت‌سازی در تبریز کمک کرد، راه‌اندازی کارگاه‌های دستی «سیگارپیچی» در تبریز بود که حاج محمد تقی جورابچی و برادرانش آن را راه انداختند. سیگارپیچی‌های جورابچی اگرچه پس از «یوسف اف» که در تهران سیگارپیچی داشت، راه افتاد، اما بعید است که حاج محمد تقی از او تقلید کرده باشد.

از طرفی یوسف اف برای بسته‌بندی سیگارپیچی‌هایش، نقش حیواناتی مثل گربه، طوطی و میمون را گراور می‌کرده و چاپ می‌کردند روی زورق. اما جورابچی روی بسته‌های سیگارشان، «انگ» می‌زده است. «انگ» در واقع نقشی بود که مثل مهر با جوهر روی یک سطح می‌نشانند. یا بدون جوهر و با داغ کردن.

مثلا آن زمان، روده‌ی گوسفند را که از ایران می‌خواستند به آلمان صادر کنند، آن را در صندوق‌های چوبی قرار می‌دادند و دور آن را با چرم محکم می‌کردند که نم پس ندهد و روده سالم به مقصد برسد. روی چرم هم نقش خاصی را انگ می‌زدند که هم نشان‌دهنده‌ی تولیدکننده آن است و هم به نوعی شرینگ شده بود و مطمئن بودند که محصول قبلا باز نشده است.

این انگ‌ها را با داغ کردن روی چرم می‌زدند. تا اوایل دوره پهلوی دوم هم به همین شیوه روده را صادر می‌کردند. اصطلاح «انگ زدن» هم که اکنون در افواه عامه جاری است، از همین جا آمده است.

جورابچی‌ها، سیگارهایشان را انگ می‌زدند البته انگ با جوهر. راه‌اندازی کارگاه‌های سیگارپچی نشانگر این بود که هم مصرف‌کننده‌ی سیگار زیاد شده و هم تعداد سیگارهای مصرفی بالا رفته است.

لاجرم مصرف‌کنندگان فرصتِ پیچاندن توتون در کاغذ مخصوص‌اش را نداشتند و آن را آماده و پیچیده‌شده تهیه می‌کردند. اینها قطعا دیگر سیگارشان را با «سر چاق‌کن» روشن نمی‌کردند و وسیله‌ای سریع‌تر و راحت‌تر برای روشن کردن سیگار لازم داشتند و آن کبریت بود.

«سر چاق‌کن» ذغال‌های پولک‌مانندی بود که کاملا گداخته شده بود و در قهوه‌خانه‌ها از قبل آماده می‌کردند برای چپق‌کش‌ها. یادآور شوم که نخستین شرکتی که برای اولین بار ایده سیگارهای امروزی یعنی قرار دادن توتون لای کاغذ نازک لوله‌شده را به صورت صنعتی ارایه کرد، شرکت job بود که از سال ۱۸۳۸ آغاز به کار کرد. صاحب این شرکت هم یک صنعتگر فرانسوی به نام jean bardou بود.

با پایان یافتن محاصره تبریز و بازگشت آرامش نسبی، برخی به این فکر افتادند که همان شیوه تولید کبریت را پی بگیرند و حالا که این کالای جدید در تبریز و شهرهای اطراف بازار دارد، آن را تولید کنند. حاج آقا کبریت‌ساز توکلی در سال ۱۲۹۷ با همین پشتوانه و دیدگاه، کارگاه کبریت‌سازی‌اش را با اخذ مجوز از اداره صنعت و فلاحه آغاز کرد و در پی آن، حاج غفار رحیم‌زاده خویی که کبریت آذربایجان

(بعدها شد: ممتاز) را راه انداختند.

این گونه شد که اولین کارخانه‌های کاملاً ایرانی کبریت در تبریز پا گرفت و در پی آن، به سبب امتیازی که مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۱ به برادران خویی داد، برای سال‌های سال «کبریت» با «تبریز» عجین شد.

امیدوارم این گفتار برای شما سروران گرامی مفید بوده باشد. انشاله اگر عمری باشه، سه‌شنبه آینده هم به این مساله خواهم پرداخت: «کبریت چگونه وارد زندگی ما ایرانیان شد»؟

برای این سیمناری که خدمت‌تان ارائه شد، از این منابع استفاده کردم که برای مطالعه بیشتر می‌توان به آنها مراجعه کرد:

۱. کتاب کبریت ایران / مهدی صادقی

۲. خاطرات حاج محمد تقی جورابچی / نشر تاریخ ایران

۳. سیاستهای صنعتی در دوران رضاشاه/ زهرا صادقی / نشر خجسته

۴. تجار، مشروطیت و دولت مدرن / سهیلا ترابی

۵. پیدایش حزب کمونیست ایران / ابراهیم اف

## پرسش و پاسخ:

**اولین کارخانه کبریت سازی چه سالی آغاز به کارد؟**  
 نخستین کارخانه با مشارکت روس‌ها توسط امین‌الدوله ساخته شد.  
 در سال ۱۳۰۸ قمری، یعنی دوره ناصری. ناصرالدین شاه سال ۱۳۱۳  
 قمری کشته شد.  
 امین‌الدوله فردی وجیه‌الدوله و وجیه‌الملله بود.

**آیا این کارخانه دولتی بود؟**  
 بله، این کارخانه دولتی بود و ناصرالدین شاه هم از آن بازدید کرد  
 و خیلی از امین‌الدوله تعریف کرد، جوری که در تاریخ نوشته‌اند  
 بسیاری بر او حسادت ورزیدند!

**میزان تولید این کارخانه چقدر بوده است؟**  
 متأسفانه هیچ آماری در این خصوص ثبت و نقل هم نشده است، اما  
 به نظر می‌رسد بسیار اندک بوده، چرا که هم به شیوه دستی تولید  
 می‌شده و هم میزان مصرف و تقاضا کم بوده است.

**این کارخانه در کجا بوده است؟**  
 در برخی منابع تاریخی آمده است که این کارخانه در الهیه شمیران



بوده و برخی دیگر گفته اند در خوردین. شهرک خوردین در شمال غرب تهران (بین شهرک غرب و سعادت آباد).

**آیا مصرف کبریت در آن دوره زیاد بوده است؟**  
خیر. در دوره ناصری و حتی مظفری، مصرف کبریت فراگیر نبوده و به مرور افزایش یافته است. و این حدود سی سال طول می کشد.

**چرا مصرف کم بوده در آن زمان؟**  
سبب آن، هم کمی کبریت بوده، هم گرانی اش و هم فراگیر نشدن استفاده از آن.